

اینک این منم که آهنگِ آستان تو کرده‌ام ...

(درباره شب و روز عید فطر)

- پیامبر اکرم(ص): خداوند در چهار شب، پیوسته خیر فرو می‌ریزد: شب عید قربان و شب عید فطر [...]
- امام علی(ع): اگر بتوانی شب عید فطر و شب عید قربان [...] را مراقبت کنی، چنان کن و در این شب‌ها دعا و نماز و قرآن، بسیار بخوان.
- امام رضا(ع): امیر مؤمنان(ع) سه شب را نمی‌خوابید: شب بیست و سوم ماه رمضان، شب عید فطر و شب نیمه شعبان».
- امام حسن مجتبی(ع) در روز عید فطری به مردمی نگاه کرد که به بازی و خنده مشغول بودند. رو به اصحاب خود کرده، فرمود: خدای متعال، ماه رمضان را به عنوان می‌دانی برای مسابقه‌ی آفریدگانش آفرید تا به وسیله فرمانبرداری از خدا، به سوی رضای الهی سبقت بگیرند. گروهی پیش افتاده و برنده شدند و گروهی هم عقب مانده و محروم گشتند.
- پس شگفت از خنده‌کننده‌ی بازیگر است در روزی که نیکوکاران پاداش می‌یابند و کوتاهی‌کنندگان، ناکام می‌شوند. به خدا سوگند، اگر پرده کنار رود [آشکار می‌شود که]، نیکوکار سرگرم نیکوکاری خود است و بذکار، گرفتار بدکاری خویش!
- امام صادق(ع): نماز عید در روز فطر، آن است که (با آبِ رود)، غسل شود. اگر رودی نبود، خودت با فروتنی، آب فراهم کن و غسل کردن، زیر سایه یا زیر سقف باشد و تا می‌توانی، پوشیده باش. و چون خواستی چنین کنی، بگو: «خداؤندا! از روى ايمان به تو و باور به كتابت و بيروى از سنت پيامبر محمد(ص)». سپس «بسم الله» بگو و غسل کن و چون از غسل فارغ شدی، بگو: «خداؤندا! اين را كفاره گناهانم قرار بده و آينم را پاک گرдан. خداوندا! آلو دگى را از من ببر».
- امام صادق(ع): کسی که برای نماز عید بیرون می‌رود، سزاوار است بهترین جامه‌هایش را پوشید و خود را با بهترین عطر، خوشبو سازد. و درباره‌ی آیه «ای فرزندان آدم! زینت خود را در هر سجده‌گاه با خود بردارید و بخورید و بنوشید و اسراف نکنید، که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد» فرمود: این، در روز عید فطر و عید قربان و جمعه است.
- امام علی(ع) روز عید فطر، پیش از آن که به مصلاً برود، چیزی می‌خورد و روز عید قربان، چیزی نمی‌خورد تا آن‌که قربانی کند.
- نکته: سید ابن طاووس رحمة الله گوید: باید نیت روزه‌دار در خوردن روز عید، فرمانبرداری از امر خداوند متعال باشد تا در خوردن خود نیز، مثل روزه گرفتنش، در حال عبادت و سعادت باشد! (ماه خدا، ص ۹۴۵)
- کتاب من لایحضره الفقیه: از امام صادق(ع) درباره‌ی آیه: «رسنگار آن کس که پاک گردانید» [سوره اعلی، آیه ۱۴] پرسیدند. فرمود: «کسی که فطريه را بپردازد». گفتند: «و نام پروردگارش را ياد کرد و نماز گزارد؟» [سوره اعلی، آیه ۱۵] فرمود: «به صحرارت و نماز گزارد».

^۱ پیامبر اکرم(ص) به ابوذر فرمود: باید تورا در هر کار نیتی نیکو باشد حتی در خوابیدن و خوردن.

□ امام صادق(ع): از کمال روزه، پرداخت زکات (یعنی فطريه) است، همان‌گونه که صلوات بر پیامبر(ص) از کمال نماز است؛ چرا که هر کس روزه بدارد، اما زکات نپردازد، اگر به عمد ترک کرده باشد، برای او روزه‌ای نیست، و نیز کسی که صلوات بر پیامبر(ص) را ترک کند، نمازی برای او نیست. خدای متعال، پیش از نماز، زکات را گفته است؛ فرموده است: «رستگار آن کس که پاک گردانید * و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد» [سوره اعلی، آیات ۱۴ و ۱۵]

□ پیامبر خدا زکات فطره رمضان را بر مردم واجب کرد؛ بر هر آزاد یا برده، مرد یا زن مسلمان.

□ پیامبر اکرم(ص): [هر کس به اندازه‌ی تعیین شده باید فطريه بدهد؛] اما توانگرтан؛ خداوند او را پاک می‌سازد و اما نیازمندان؛ بیش از آن‌چه می‌دهد، به او برگردانده می‌شود.

□ امام صادق(ع) فرمود: «هر کس روزه داری خود را با سخن شایسته به پایان برساند، خداوند روزه او را قبول می‌کند». گفتند: ای پسر پیامبر خدا! سخن شایسته چیست؟ فرمود: «شهادت دادن به این که جز خداوند، معبدی نیست؛ و کار شایسته، پرداخت زکات فطره است».

□ امام باقر(ع): روز عید فطر و عید قربان و روز جمعه، چون آماده بیرون رفتن شدی، این دعا را بخوان: «خداوند! هر کس که آماده و مهیا شود و به امید عطا و بخشش و جایزه و احسان آفریده‌ای، ساز و برگ رفتن به حضور او فراهم سازد، پس - ای سرور من - باریابی و آمادگی و تهیه‌ی ساز و برگ و آماده شدن من، به درگاه توست و به امید بخشش و جایزه‌ها و احسان‌های تو. پس امروز نامیدم مکن! ای آن که هیچ نیازمندی از درگاهش محروم نمی‌شود و هیچ برخورداری، از او نمی‌کاهد! من امروز کار شایسته‌ای به درگاهت نیاورده‌ام و به شفاعت آفریده‌ای هم امید نبسته‌ام؛ لیکن با اعتراف به ستم و بدی، به درگاهت آمده‌ام. نه دلیلی دارم و نه عذری. پروردگار! از تو می‌خواهم که خواسته‌ام را بدھی و مرا با درخواستی برآورده برگردانی و مرا نامید و بی‌بهره برنگردانی! ای بزرگ، ای بزرگ! برای خواسته بزرگ به تو امیدوارم. ای بزرگ! از تو می‌خواهم که گناه بزرگ مرا بیخشایی. معبدی جز تو نیست. خداوند! بر محمد(ص) و خاندان محمد(ص) درود فرست و نیکی امروز را که شرافت و عظمتیش بخشیده‌ای، روزی ام کن و در این روز، مرا از همه‌ی گناهان و لغزش‌هایم بشوی و از احسان خود بر من بیفزای! همانا تویی تو بسیار بخشنده».

□ پیامبر خدا(ص) برای نماز عید، پیاده بیرون می‌رفت و پیاده برمی‌گشت.

□ به نقل از ابو محمد هارون بن موسی: به امام رضا(ع) عرض کرد: سرورم! ما روایت می‌کنیم که پیامبر(ص) وقتی از راهی می‌رفت، از همان راه برنمی‌گشت؛ بلکه از راه دیگری می‌آمد. فرمود: «پیامبر خدا چنین می‌کرد. من نیز چنین می‌کنم. پدرم(ع) نیز چنین می‌کرد. تو نیز چنین کن که روزی تو را افزون می‌کند. پیامبر خدا(ص) می‌فرمود: این، برای بندگان، روزی آورتر است».

□ پیامبر خدا(ع) در روز عید فطر و عید قربان همراه فضل بن عباس، عبد الله، عباس، علی، جعفر، حسن، حسین، اُسامه بن زید، زید بن حارثه و آیمن (پسر اُم آیمن) بیرون می‌رفت، در حالی که صدایش را به تهلیل و تکبیر، بلند می‌کرد و از راه آهنگران می‌رفت تا به مصلاً می‌رسید و چون از نماز فارغ می‌شد، از مسیر کفش دوزان بر می‌گشت تا به خانه‌اش برود.

□ به نقل از عبد الرحمن بن حاطب - پیامبر خدا(ص) را دیدم که هنگام رفتن برای نماز عید، از راهی می‌رفت و از راهی دیگر بر می‌گشت.

□ پیامبر اکرم(ص): خداوند متعال در روز عید فطر و عید قربان، به زمین با عنایت می‌نگرد. پس، از خانه‌ها بیرون آید تا رحمت به شما برسد.

□ پیامبر اکرم(ص): چون روز عید فطر شود و مردم به صحراء بیرون روند، خداوند بر آنان می‌نگرد و می‌گوید: «بنده‌گان من! برای من روزه گرفتید و برای من نماز خواندید. به خانه‌هایتان باز گردید که آمرزیده‌اید».

□ امام صادق(ع): هرگاه روز عید قصد سفر داری، اگر صبح دمید و تو در شهر بودی، بیرون مرو تا آن که در [مراسم] آن عید، حضور یابی.

□ امام صادق(ع): یک روز عید فطر یا عید قربان، به پیامبر خدا(ص) گفتند: خوب بود در مسجد خود نماز می‌خواندی. فرمود: «دوست دارم که به طرف آفاق آسمان بیرون آیم».

□ امام صادق(ع): سزاوار نیست که نماز عید فطر و عید قربان، در مسجد سقف‌دار خوانده شود و نه در خانه؛ بلکه در صحراء یا جای باز خوانده می‌شود.

□ امام علی(ع) روز عید فطر خطبه خواند و فرمود: «ستایش، خداوندی را که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را پدید آورد. سپس آنان‌که به پروردگارشان کفر ورزیدند، از حق روی گردان می‌شوند. چیزی را برای خداوند، شریک فرار نمی‌دهیم و جز او، سرپرستی نمی‌گیریم. ستایش، خداوندی را که آن‌چه در آسمان‌ها و آن‌چه در زمین است، برای اوست، و نیز ستایش در آخرت، از آن اوست و او حکیم آگاه است و آن‌چه را در زمین فرو می‌رود و آن‌چه را از آن بر می‌آید و آن‌چه را از آسمان فرود می‌آید و آن‌چه را در آن بالا می‌رود، می‌داند و او مهربان آمرزنده است.

چنین است پروردگار ما، که ثنای او شکوهمند است. بی‌پایان و بی‌سرانجام و بی‌نهایت است و معبدی جز او نیست و سرانجام، به سوی اوست. ستایش، خداوندی را که آسمان را نگه می‌دارد تا بر زمین نیفتند، مگر به اذن او. همانا خداوند به مردم، دلسوز و مهربان است. خداوند! با رحمت ما را بیامز و عافیت را برای ما فرآگیر ساز و با نگهداری‌ات ما را یاری‌رسان و ما را از رحمت دور مگردان! همانا تو آمرزنده مهربانی. ستایش، خداوندی راست که از رحمتش مأیوس نمی‌شوند و از نعمتش محروم نمی‌گردند و از رحمتش نامید نمی‌شوند و از پرستش او روی برنمی‌تابند؛ آن‌که با کلمه‌اش، آسمان‌های هفت‌گانه برپا شده و زمین‌های هفت‌گانه قرار یافته و کوه‌های بزرگ، ثابت گشته و بادهای بارورکننده جاری شده و ابرها در فضای آسمان، سیر کرده و دریاها بر حدود آن‌ها برپا شده است.

پس، خجسته است خداوند، پروردگار جهانیان، معبدی چیه و توانا که قدرت جویان، در برابرش خوارند و متکبران، در مقابله‌ش بی‌قدارند و جهانیان، خواهی نخواهی، گردن به فرمان او نهاده‌اند. او را می‌ستاییم به آن‌چه خودش را ستد و آن‌گونه که شایسته اوست؛ و از او یاری می‌طلیم و آمرزش می‌خواهیم؛ و گواهی می‌دهیم که معبدی جز خداوند نیست،

[و] شریکی ندارد. آن‌چه را سینه‌ها پنهان می‌دارند و آن‌چه را دریاها می‌پوشانند و آن‌چه را لانه‌ها پنهان می‌کنند و آن‌چه را رَحْمَهَا می‌کاهند و می‌افزایند (زمان حمل)، می‌داند و هر چیزی نزد او به اندازه است. نه تاریکی‌ها از او پنهان است و نه چیزی از علم او نهان. هیچ برگی نمی‌افتد، مگر این که آنرا می‌داند و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین نیست و هیچ‌تر و خشکی نیست، مگر آن که در کتابی روشنگر است. و می‌داند که عمل‌کنندگان چه می‌کنند و به چه فرجامی برمی‌گردند.

از خداوند، هدایت می‌طلبیم و از گمراهی و تباہی به او پناه می‌بریم و گواهی می‌دهیم که محمد(ص)، بنده و پیامبر و فرستاده او به سوی همه‌ی مردم و امین وحی اوست. [گواهی می‌دهیم که] او رسالت پروردگارش را رساند و در راه خدا با روی گردانان از او، نبرد کرد و او را پرسید، تا آن‌که یقین (مرگ)، او را فرا رسید. درود خداوند بر او و خاندانش! شما را - ای بندگان خدا - به پروا کردن از خدایی سفارش می‌کنم که هیچ یک از نعمت‌های او زوال نمی‌پذیرد و هیچ یک از رحمت‌های او گُم نمی‌شود و بندگان از او بی‌نیاز نمی‌شوند و عمل‌ها پاداش نعمت‌های او نمی‌گردند؛ آن‌که به آخرت تشویق کرده و به دنیا بی‌علاقه ساخته و از نافرمانی‌ها بر حذر داشته و با بقا، عزّت یافته و با عزّت و شُکوه، یکتا گشته و مرگ را فرجام آفریدگان و راه گذشتگان قرار داده است.

پس، مرگ بر پیشانی همه‌ی آفریده‌ها ثبت، و بر گردنشان حتمی است. [مرگ،] نه ناتوان از رسیدن به گریزنده است و نه هیچ دور و نزدیکی، از چنگش می‌رود. هر لذتی را در هم میریزد و هر شادمانی ای را از بین می‌برد و هر نعمتی را می‌گیرد. بندگان خدا! دنیا، سرایی است که خداوند برای اهل آن، فنا را پسندیده و کوچیدن از آنرا بر ایشان حتمی ساخته است. هر چه در آن است، پایان یافتنی است و هر که در پی آن است، نابودشدنی. اما با این همه، دنیا شیرین و لذیذ و جذاب و شاداب است؛ برای جوینده، آراسته است و به دل مشتاق، چسبیده؛ طمع کار، آنرا نیکو می‌شمارد و ترسان هراسان، از آن گریزان است. رحمت خدا بر شما! از آن با بهترین توشه‌ای که نزد خود دارید، بکوچید و جز مقداری که شما را به مقصد برساند، بر نگیرید. در دنیا همچون مسافرانی باشید که در منزلگاهی فروود آمده و در اندک سایه‌ای آرمیده‌اند، سپس کوچیده و به راه خود رفته‌اند. به آن‌چه ثروتمندان خوش‌گذران از آن بهره‌مندند، چشم ندوزید تا در دنیا به خودتان زیان برسانید، که این، حساب شما را سبک‌تر می‌کند و برای نجات شما، نزدیک‌تر است.

هلا آگاه باشید که دنیا تغییر شکل داده و پشت کرده و در آستانه خداحافظی قرار گرفته است. آگاه باشید که آخرت نزدیک شده و روی آورده و بانگ آشنایی سر داده است. بدانید که امروز روز مسابقه و فردا روز پیشی گرفتن است. گرو این مسابقه بهشت و پایان آتش است. آیا توبه‌کننده‌ای از گاه وجود ندارد که پیش از فرا رسیدن مرگش توبه کند؟ و یا عمل‌کننده‌ای که پیش از رسیدن روز تنگ‌دستی و بدیختی اش عمل نماید؟

خداؤند، ما و شما را از کسانی قرار دهد که از او بیم دارند و به امید پاداش اویند. آگاه باشید که امروز، روزی است که خداوند آنرا عید قرار داده و شما را شایسته آن ساخته است. پس، خدا را یاد کنید تا شما را یاد کنند، و او را بزرگ بشمارید و تسبیح و تمجید کنید و او را بخوانید تا پاسختان دهد، و از او آمرزشی بخواهید تا شما را بیامرزد، و در پیشگاه او ناله و نیایش و توبه کنید و به سوی او باز گردید و زکات فطره خود را بپردازید که سنت پیامبرتان و فریضه‌ی واجب پروردگارتان است. هر کس [باید] زکات فطره را از سوی خود و همه‌ی خانواده‌اش (مرد یا زن، کوچک یا بزرگ، آزاد یا بنده) جدا کند؛ برای هر نفر: یک صاع از جو، یا یک صاع از خرما، یا نیم صاع از گندم، از درآمد پاک خود با رضامندی.

بندگانِ خدا! یکدیگر را بر نیکی و تقوا یاری کنید و به یکدیگر مهربانی و عطوفت داشته باشید؛ واجبات الهی را در آن‌چه به شما فرمان داده است، ادا کنید (همچون: برپا داشتن نمازهای واجب، پرداختن زکات‌ها، گرفتن روزه ماه رمضان، حجّ خانه خدا، امر به معروف و نهی از منکر، نیکی کردن به زنان و کنیزاتان) و در آن‌چه شما را از آن باز داشته، از خدا پروا کنید و در پرهیز از: دادن نسبت ناروا به زنان پاک‌دامن، انجام دادن رشتی‌ها، شراب‌خواری، کم گذاشتن در پیمانه و کاستن از وزن، ادای گواهی دروغ، فرار از جنگ، [در ترک همه این‌ها]، از خدا فرمانبرداری کنید.

خداؤند، ما و شما را با تقوا نگه دارد و آخرت را برای ما و شما بهتر از این دنیا قرار دهد! همانا بهترین سخن و رساترین پند، سخن خدای متعال است: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ «بسم الله الرحمن الرحيم * قل هو الله أحد! * الله الصمد * لم يلد و لم يولد * ولم يكن له كفواً أحد». سپس نشست و برخاست و فرمود: «خدا را سپاس؛ او را می‌ستاییم و از او یاری و آمرزش و هدایت می‌طلبیم. به او ایمان داریم و بر او تکیه می‌کنیم و از بدی‌های خودمان و بدی‌های کارهایمان، به خداوند پناه می‌بریم. هر که را خدا هدایت کند، هدایت یافته است و هر که را خدا گمراه کند، هرگز برای او سرپرست هدایت‌گری نمی‌یابی. و گواهی می‌دهم که معبدی جز خداوند نیست، یکتای بی‌شریک است؛ و گواهی می‌دهم که محمد(ص)، بنده و فرستاده اوست».

(برگفته از کتاب «ماه خدا»، انتشارات دارالحدیث)

امام سجاد(ع)، چون از نماز عید فطر و عید قربان یا نماز جمعه فراغت می‌یافت، رو به قبله می‌کرد و می‌گفت:
ای آن که رحمت می‌آوری بر آن کس که بندگانت به او رحم نمی‌کنند.
ای آن که انسان رانده از هر شهر و دیار را پذیرایی.
ای آن که نیازمندان خود را خفیف و خوار نمی‌گردانی.

ای آن که نومید نمی‌گردانی آن‌ها را که به اصرار از تو چیزی می‌خواهند.

ای آن که از درگاه خود نمی‌رانی آن‌ها را که زیاده‌خواهند.

ای آن که هر تحفه‌ی ناچیزی تقدیمت کنند، می‌پذیری، و هر اندک عملی برایت انجام دهند، جزا می‌بینشی.

ای آن که کار‌بی ارزش را به لطف می‌پذیری و در برابر آن پاداش بزرگ می‌دهی.

ای آن که نزدیک می‌شوی به هر کس که به تو تقرّب جوید.

ای آن که به سوی خود می‌خوانی هر که را که از تو روی برگرداند.

ای آن که نعمت خود را دگرگون نمی‌سازی و به کیفر دادن ما شتاب نمی‌ورزی.

ای آن که نهال کار نیک می‌پروری تا آن را به ثمر نشانی و انبوه کنی، و از کار بد چشم خود می‌پوشی تا آن را از ریشه برکنی.

آرزوها پیش از رسیدن به منتهای کرم تو، با نیازهای برآورده باز آمدند، و کاسه‌های گدایی محتاجان، از بخششی بسیار تو لبال گردیدند، و صفت‌ها پیش از آن که حقیقت نعمت تو را دریابند، از هم گسیخته شدند. اینک تو را سزاست آن برترین کمال که برتر از هر کمالی است، و آن والاترین شکوه که از هر شکوهی والاتر است.

هر بزرگی در برابر تو کوچک است، و هر شریفی در کنار شرف تو بی‌مقدار. آنان که به سوی غیر تو رو کردند، نومید شدند، و آنان که نیاز خود پیش دیگری بردند، زیان دیدند، و آنان که بر آستانِ غیر تو فرود آمدند، تباہ گردیدند، و آنان که در جایی جز وادی فضل تورزق و روزی جُستند، به قحطی درآمدند.

درگاه نعمت به روی خواهندگان باز است، و بخششت در حق نیازمندان روا، و فریاد رسیات به دادخواهان نزدیک.

امیدواران از تو نامید نشوند، و آنان که نیاز خود نزد تو آورند، از عطای تو مأیوس نگردند، و آمرزش خواهان با عذاب تو به تیره روزی نیفتند.

خوان روزیات برای کسی که نافرمانیات کند گسترده است، و بردباریات برای آن که با تو دشمنی ورزد، آماده. شیوه‌ی پروردگاری تو، نیکی کردن به بدکاران است و طریقت مهربان بودن با تجاوزکاران؛ تا آن جا که مدارا کردن تو آنا را می‌فریبد که توبه نکند، و مهلت دادن بازشان می‌دارد که از گناه دوری گزینند.

اما تو در کیفر دادن ایشان شتاب نکرده‌ای تا مگر به فرمانت گردن نهند، و مهلت‌شان داده‌ای، چون به پایداری مُلک خود مطمئن بودی. پس هر که سزاوار نیکبختی بوده، عمرش را به نیکبختی فرجام داده‌ای، و آن که سزاوار تیره‌بختی بوده، او را به تیره‌بختی اش خوار کرده‌ای.

سرانجام کار همه چنان شود که تو خواهی، و بازگشت امورشان به سوی تو باشد. هر چه عمرشان به درازا کشد، پایه‌های فرمانروایی تو سست نگردد، و چون در کیفر دادنشان درنگ کنی، حجّت آشکار تو باطل نشود.

حجّت تو پایدار و باطل نشدنی، و فرمانروایی ات جاودان و زائل نگشتنی است. پس عذاب سخت و دامن نصیب کسی است که از تو روی برتابته، و نامیدی بیچاره‌کننده آن راست که از درگاه تو دست خالی برگشته، و بدترین تیره‌بختی از آن کسی است که به مهلت دادنت گول خورده است.

این چنین کسی، در آتش عذاب تو چه بسیار دست و پا خواهد زد، و روزگار سرگشتنگی اش در وادی عقاب تو چه طولانی خواهد بود، و چه دور است که اندوهش به پایان رسد، و بسی نامید است از این که راه رهایی اش گشوده شود. این همه، بر پایه‌ی حکم عادلانه و منصفانه‌ی توست که در آن بر کسی جور و ستم روانمی‌داری.

خدایا، تو دلیل آشکار خود را فراوان و پی در پی فرستاده‌ای، و پیش از این، حجّت‌های خود را بیان داشته‌ای، و ما را از عذاب خود بیم داده‌ای، و از سر لطف و مهربانی تشویق کرده‌ای، و مئّل‌هazardه‌ای، و مهلت را طولانی ساخته‌ای، و عذاب را به تأخیر افکنده‌ای، حال آن‌که می‌توانستی در آن عجله کنی؛ و درنگ ورزیده‌ای، حال آن‌که بر شتاب کردن توانا بودی.

درنگ تو در عقاب ما نه از روی بی‌قدرتی، و مهلت دادنت نه از روی سستی، و خودداری ات از مؤاخذه نه از روی غفلت، و به تأخیر افکندن عذابت نه از روی مداراست، بلکه تا دلیل تو رسانتر، و کرم تو در حق ما کامل‌تر، و احسان تمام‌تر گردد، و نعمت به نهایت حدّ خود رسد. همه‌ی این امور، پیش از این بوده، و اکنون هست، و تا همیشه خواهد بود.

دلیل تو برتر از آن است که جملگی به وصف درآید، و بزرگواری تو بالاتر از آن‌که دست اندیشه به بلندایش رسد، و نعمت تو بیش از آن است که یک به یک در شمار آید، و احسان تو افرون‌تر از آن‌که بر کمترین آن سپاست گویند.

بی‌زبانی، مرا از حمد و ستایش تو ناتوان می‌دارد، و درماندگی از بزرگداشت تو، زبان مرا می‌بندد، و نهایت کوشش من این تواند بود که به ضعف و درماندگی خود اعتراف کنم؛ و این - ای معبد من - نه از سر بی‌رغبتی، که از ناتوانی من است.

اینک این منم که آهنگ آستان تو کرده‌ام و بخشش‌های نیک از تو می‌خواهم. پس بر محمد و خاندانش درود فرست و خواهش پنهانی مرا اجابت کن، و چون تو را بخوانم، مرا پاسخگو، و روز مرا به نامیدی پایان مده، و در آن‌چه از تو خواسته‌ام، دست رد بر سینه‌ام مزن. چون از پیش تو بازگردم یا نزدت آیم، در هر دو حالت، مرا گرامی بدار، که تو در عمل به خواسته‌ی خود دچار سختی نشوی، و در اجابت آن‌چه از تو خواهند عاجز نمانی، و تو بر هر کار توانایی، و هیچ جنبش و نیروی کاری نیست جز به خواست خدا، آن والا مرتبه‌ی بزرگ.

(دعای چهل و ششم صحیفه سجادیه)